

قتل مهیای ۱۲ ساله در جنایت مسلحانه پدر، عمو و برادر!

گروه حوادث - تاکنون زنان و دخترانی که به دست همسر، پدر، برادر و اقوام نزدیک خود با انگیزه ناموسی یا اختلافات خانوادگی به قتل رسیده‌اند، سنین گوناگونی داشته‌اند، اما این بار مهیا در میان قربانیانی که تا به حال به دست یکی از اعضای خانواده به قتل رسیده‌اند، کمترین سن ممکن را داشته است. او به خاطر هر آنچه تعصب و آبرو نامیده می‌شود به قتل رسیده است.

مهیا دختر ۱۲ ساله واسط شهر یور ماه جاری در شهرستانی که سال ۱۳۹۷ با زمین لرزه ۶.۴ ریشتری لرزید و بیش از ۵۰۰ نفر کشته داد، توسط پدرش یا بدستور او با «اسلحه شکاری» کشته شده است.

مهیا زمان زلزله ۷ ساله بود. حتما اگر می‌دانست در ۱۲ سالگی به چنین سرنوشتی دچار می‌شود، آرزو می‌کرد همان روزی که زلزله سربل ذهاب را لرزاند او نیز مثل صدها نفر دیگر کشته می‌شد نه اینکه ۵ سال بعد به دست پدرش کشته شود...

آن روز پدر این دختر نوجوان وقتی می‌بیند مهیا دیگر نفس نمی‌کشد با مادر او تماس می‌گیرد و می‌گوید: بیا دخترت خودکشی کرده است...

اینها را یکی از اقوام نزدیک خانواده توضیح می‌دهد. او در ادامه می‌گوید: «ما رسم و رسومی درباره طلاق داریم و آن این است که اگر مردی سه چهار بار به همسرش بگوید: تو خواهر من! مادر منی و من دیگر تو را نمی‌خواهم، زن را طلاق داده است و دیگر به هم محرم نیستند (سه طلاقه شوهر سه بار به زن خود می‌گوید طلاق داد، اما بعد از آن دوبار طلاق داد، اما بعد از آن دوبار طلاق داد)»

بنابراین مسأله مهیا نمی‌تواند به آن خانه بازگردد و فقط مراحل قانونی طلاق مانده است. روز قبل از حادثه پدر مهیا این جملات را به همسرش می‌گوید و همسرش هم خانه را ترک می‌کند. مهیا می‌خواسته با مادرش برود که پدر او نگذاشته است...»

ماموران آگاهی: دختری خودکشی نکرده، بلکه به قتل رسیده است یکی از بستگان نزدیک مهیا در مورد جزئیات مربوط به روز حادثه توضیح می‌دهد: «روز قبل از حادثه پدر مهیا با مادر او بحث می‌کند. پدر مهیا رفتارهای مناسبی نداشت و مرتب دوستانش را به خانه می‌برد. آن روز با هم بحث می‌کنند و پدر مهیا به همسرش سه چهار بار می‌گوید: تو خواهر منی، مادر منی از این خانه برو. مادر این دختر نوجوان هم وسایلش را جمع می‌کند تا به خانه پدری‌اش برود. مهیا اصرار می‌کند که با مادرش برود، اما پدرش نمی‌گذارد. این دختر نوجوان با پدر، برادر و عمویش در خانه تنها می‌ماند. فردای روزی که مادر این دختر خانه نبوده این سه نفر بی‌می‌برند مهیا با پسر یکی از بستگان نزدیک مهیا در خانه تنها می‌ماند. فردای روزی حدود ساعت ۶ بعد از ظهر وقتی پدر مهیا مطمئن می‌شود دخترش دیگر نفس نمی‌کشد با مادر او تماس می‌گیرد و می‌گوید: بیا دخترت خودکشی کرده است. مادر او اول فکر می‌کند به خاطر بختی که روز گذشته در خانه‌شان پیش آمده دخترش این اقدام را انجام داده، اما وقتی به خانه می‌رود به ماجرای خودکشی دخترش شک می‌کند. به همین خاطر به کلاتری محل شان مراجعه می‌کند. آنجا به او می‌گویند دخترت خودکشی نکرده، بلکه با اسلحه به قتل رسیده است.»



قتل

دستور شلیک را خودش داده. همسایه‌ها متوجه نشدند چه کسی با اسلحه به مهیا شلیک کرده است؟ اگر هم دیده باشند جرات نمی‌کنند حرفی بزنند. فعلا پلیس به ما گفته شاید مجدد برادر و عموی مهیا را احضار کنند. قتل با انگیزه‌های ناموسی بیشتر در استان‌هایی با بافت فرهنگی قبیله‌ای گزارش شده است. حدود سه سال پیش محمد رضا محبوب فر، جامعه‌شناس گفت: آمارهای قبلی قتل‌های خانوادگی یا ناموسی در ایران هیچ‌کدام جامع، شفاف و واقعی نیست و نهادها و سازمان‌های مرتبط با این گذشته متفاوت شده است.

به گفته این فرد: پس از این اتفاق هر سه نفر بازداشت می‌شوند. اما در اداره آگاهی پدر مهیا اعتراف می‌کند که قتل مهیا کار خودش بوده و ربطی به برادر و عموی مهیا نداشته است. به همین خاطر عمو و برادر این دختر نوجوان آزاد می‌شوند.

او به چند سوال آخرین نیز پاسخ می‌دهد.

این خانواده غیر از مهیا چند فرزند دیگر دارد؟

مهیا بود و همین برادرش که ۱۵ ساله است. برادر او سن کمی دارد، اما به شدت تحت تأثیر پدرش بود.

ماموران اداره آگاهی به مادر مهیا چه گفتند؟

در پی گزارش مرگ مشکوک مهیا ماموران اداره آگاهی بررسی‌های لازم را انجام می‌دهند و این سه نفر را دستگیر می‌کنند. پدر مهیا به قتل اعتراف می‌کند، اما کارشناس پلیس آگاهی عنوان می‌کند: تیری که از اسلحه خارج شده فاصله زیادی با مقتول داشته است. یعنی مهیا در حال فرار بوده که او به دو بار شلیک می‌شود. تیر آخر را زمانی که مهیا شلیک می‌کند که او به داخل دستشویی فرار کرده بود تا قایم شود. تیر از پنجره بالای در دستشویی به داخل شلیک می‌شود. کارشناس پلیس آگاهی می‌گوید: این دو تیر توسط دو نفری که قد بلندی داشته‌اند، شلیک شده است. همسایه‌ها هم صدای چیخ و داد مهیا را شنیده‌اند و بعضی از آنها دیده‌اند که مهیا داخل حیاط خانه در حال فرار بوده است.

یعنی امکان دارد پدر مهیا قاتل نباشد؟

امکان دارد پدر مهیا به سمت او شلیک نکرده باشد، اما به هر حال

طلاق بعد از سقط جنین!

گروه حوادث - هوای گرم و آفتاب سوزان تابستان سبب شده بود راه‌روهای دادگاه خانواده شلوغ‌تر از روزهای قبل باشد. در طبقه سوم میان جمعیت حاضر در سالن رفتار عجیب زوج جوانی که پشت در یکی از شعبه‌ها با فاصله ایستاده بودند جلب توجه می‌کرد. به محض اینکه مر در جوان قدمی به سوی زن برداشت او ناگهان فریاد زد: مهرا! جلوی من نیاید! نگاه از من چی می‌خواهی؟ بچهام را کشتی کافی نبود؟ می‌خواهی خودم بکشی؟ تو قاتل هستی.

در حالی که حرف‌های زن جوان کنجکاو حاضران را برانگیخته بود در همین موقع مسربازی از داخل شعبه بیرون آمد و با لحنی آمرانه گفت: چه خبره سرو صدای کنید؟ ساکت باشید آرام‌تر حرف بزنید اینجا دادگاه است پارک که نیست. بعد هم از زوج جوان خواست وارد شعبه شوند.

قاضی با دیدن زن جوان که گریه می‌کرد، گفت: دخترم چی شده، چرا دادخواست طلاق دادی؟

پگاه نگاه می‌همسرش کرد و گفت: حاج آقا این بره رو نگاه کنید خودتان متوجه می‌شوید چرا می‌خواهم جدا بشم.

قاضی در حالی که بره کاغذ را دست زن جوان می‌گرفت گفت خودت تعریف کن.

جناب قاضی ما با هم نسبت فامیلی دوری داریم اما سال‌ها همدیگر را ندیده بودیم تا اینکه در یک مراسم عروسی ما با هم ملاقات کردیم و از تباطون آغاز شد. بعد از مدتی هم مهرا از من خواستگاری کرد و تقریباً دو ماه بعد از دواج کردیم. اوایل همه چی عالی بود اما رفته

رفته بد اخلاقی‌های مهرا شروع شد و چهره واقعی‌اش را نشان داد. بی‌ادبی‌هایش بیش از همه آزار می‌داد هر موضوعی به پدر و مادر و خانواده ناموسا می‌گفت کارهای غیر اخلاقی می‌کرد من حق نداشتم بی‌اجازه از خانه بیرون بروم اما خودش در هر کاری آزاد بود. دیگه خسته شده بودم دیگر تحمل نداشتم از همه بدتر اینکه من دلیل این رفتارها را نمی‌دانستم. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه یک روز وقتی دعوایمان شد من از شدت ناراحتی از هوش رفتم. وقتی چشم باز کردم در بیمارستان بودم. دکتر بعد از دیدن جواب آزمایش گفت که پاردارم اما یک بار داری پرخطر که باید استراحت مطلق باشم و به هیچ عنوان استرس نداشته باشم.

با شنیدن این خبر خوشحال نشدم اما از تصمیمم برای جدایی صرف‌نظر کردم. مهرا هم قول داد دست از رفتارهای عجیبش بردارد. اما فقط یکی دو هفته سر قولش ماند و خیلی زود دوباره به همان مهرا قبلی تبدیل شد. بزرگترین مشکل شوهرم دهن بینی اوست. کافیه مادر و خواهرش از من یک ایراد بگیرند. خواهر مهرا چند سال قبل از شوهرش طلاق گرفته چون معتاد بوده و دست بزین داشته بعد از طلاق به یک آدم عصبی تبدیل شده و مدام در زندگی مادخالتم می‌کند.

مهرا که تا این لحظه ساکت بوده به محض اینکه حرف خواهرش پیش آمد از جا بلند شد و گفت: حاج آقا ایشان دروغ میگه مشکلات ما اصلا ربطی به خواهر و مادر من نداره اینا همش توهم پگاه است. چرا از دخالت‌های پدر و مادر خودش حرفی نمیزنه که با کارهای



از این بحران باید تغییر زیادی راشاهد باشند و نیازمند این است که مهرا خودش و رفتارهای گذشته‌اش را به طور کلی تغییر دهد و پگاه نیز صبر و گذشت بیشتری داشته باشد. مهرا اگر دوست ندارد که پدر پگاه به آنها کمک مالی کند می‌تواند با کلامی محترمانه این موضوع را بیان کند نه با توهین و ناسزاگویی شخصیت خودش را زیر سؤال ببرد. زوج‌های جوان باید یاد بگیرند در زندگی مشترک با عشق و صمیمیت می‌توانند از حاشیه‌ها فاصله بگیرند و اگر هم همیشه درگیر تنش و فشارهای روحی روانی هستند.

به ظاهر دلسوزانه زندگی ما را خراب کرده‌اند. پدرش با کمک‌های مالی به پگاه‌طوری و نامودی می‌کند که من بدبخت و بی‌عرضه هستم و نمی‌توانم از پس مخارج زندگی بر بیایم. پگاه با شنیدن این حرف گفت: اگر کمک‌های پدرم نباشه که باید از گرسنگی بمیریم نکته فکر کردی تو باشاگردی در مغازه مو تروسازی خرج و مخارج زندگی من را تأمین می‌کنی؟ مهرا هم با شنیدن این حرف کنترلش را از دست داد و شروع به ناسزاگویی کرد که قاضی با عصبانیت از او خواست ساکت باشد و تا وقتی به او اجازه نداده صحبت نکند.

پگاه که دستانتش می‌لرزید گفت: حاج آقا این مرد با همین رفتارها باعث شد بچه من سقط شود در آن بره علت سقط جنین را استرس بیش از حد و نداشتن استراحت و آرامش جسمی و روحی عنوان کرده است. مهرا می‌دانست دعوا و ناراحتی برای من و بچهام سم است اما حاضر نشده به خاطر بچه خودش برای چند ماه هم که شده مراعات کند. من می‌خواستم به خاطر بچهام با این مرد به زندگی ادامه دهم اما حالا که بچهام از بین رفت دیگر نمی‌توانم یک روز هم تحملش کنم و طلاق می‌خواهم.

نگاه کارشناس؛

امیرحسین صفدری پژوهشگر حوزه علم حقوق و خانواده در این پرونده چند عامل اصلی باعث ایجاد مشکلات بین این زوج جوان شده بود: نبود درک متقابل، مسئولیت‌پذیری، تعهد و استقلال مالی، ثبات شخصیتی، شناخت کافی، توجه به نیازهای همسر و...

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

دفترچه مالکیت به شماره های مسلسل ۳۸۱۲۲ و ۱۹۶۶۱ و شماره ثبت ۳۱۵۶ مربوط به غرفه ۱۴۸ واقع در بازار ونوس طبقه همکف بنام سازمان منطقه آزاد کیش مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است.

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۲۰۱۵/۰۶ به نام یسنا یکتایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۲۰۱۵/۰۱ به نام هما اسدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

لوازم یدکی

تهیه لوازم یدکی خودرو شما در سریعترین زمان
۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸
جعفری

استخدام

استخدام نیروی خدماتی
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می‌نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.

فروش خودرو

فروش پژو پارس سال موتور جدید XU7P مدل ۱۴۰۲ ۰۹۱۷۱۶۲۱۰۰۸

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۷۱۲۱۱/۰۱ به نام علی باقری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۰۹۶۵۷/۰۱ به نام نیما محیط کرمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۲۸۸۹۴/۰۱ به نام حمید صبور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

تهیه قطعات اصلی یدکی خودروهای سبک و سنگین
تحويل حداکثر ۴۸ ساعت
۰۹۳۷۵۶۳۲۷۰۲

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰

تأسیسات منزل

تعمیرات و تأسیسات منزل - لوازم آشپزخانه آب - برق ۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری

حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

صنایع چوب - حلاج کیش - کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲